

# صورتگری هنری در شعر خاقانی

## برگرفته از بلاغت قرآنی<sup>(۱)</sup>

دکتر جلیل تجلیل  
استاد گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی  
دانشکده ادبیات - دانشگاه تهران

### چکیده

درختان روی زمین قلم باشند و دریاهاى عالم مرکب، هفت دریا هم به یاری مرکب خامه‌ها بشتابند کلمات الهی پایان نمی‌پذیرد و آیات و رحماتش به توصیف در نمی‌آید:

«ولو أن ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر لمانفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم.»

در این صورتگری و تمثیل قرآنی با بیانی اعجاز نشان آثار شگرف در روان خوانندگان پدید می‌آورد و ایمانی استوار می‌آفریند. و خاقانی نیز با بهره‌گیری از این تصویر شگفت صحیفه‌گردون و دوده‌جرم کیوان را در بیان الهامات درون در تنگنای بیند. و گزارش این تصویر بدین‌گونه است:

به گوش من فرو گفت آنچه گرفت کرم کنم شاید

صحیفه صفحه‌گردون و دوده جرم کیوانش  
و این تصویری است از پیام تربیت و تعلیم انسانها که باید در دل آدمی نقش بندد و از قصیده‌ای به مطلع:

مرا دل پیر تعلیم است و من طفل زمان دانش

دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش  
آدمی با هفت اندام کسلان چگونه می‌تواند که به نماز برخیزد و پرستش خدای بی‌نیاز کند:

نمازی نیست گرچه هفت دریا اندرون دارد

کسی کاندر پرستش هست هفت اندام کسلانش  
و این تصویر «هفت اندام کسلانش» مستقیماً در پرتو این آیت است:  
ولا یأتون الصلوة الا وهم کسالی.

نمازی چنین که نمازگزارش هفت اندام کسلان دارد در پیشگاه حق تعالی چه تقریبی خواهد داشت هفت اندام کسلان برگرفته از آیت یاد شده قرآن است.

و مراد از هفت اندام همان پیشانی و کف دو دست و دو زانو و نوک پاها است که در سجده واجب است که بر خاک تکیه کند و بیت پیش از آن این است:

خاقانی این شاعر توانای فارسی زبان در دیوان خود با ذهن وقاد و نکته‌یاب در اقیانوس بلاغت اعجاز نشان قرآنی آثار شگرفی در روان خوانندگان پدید آورده و ایمانی استوار می‌آفریند. تصویری از پیام تربیت و تعلیم انسانها که باید در دل آدمی نقش بندد و پرستش خدای بی‌نیاز کند.

آدمی با هفت اندام کسلان که مراد همان پیشانی و کف دو دست و دو زانو و نوک انگشتان پاها است در سجده واجب بر خاک تکیه می‌کند و به تقرب پیشگاه حق تعالی می‌پردازد.

در این مقاله مؤلف با نگاهی به اشعار خاقانی به تسمیه اسماء آیات و سوره از راه مجاز جزء و کل بمثابه ابزاری برای برخورداری از نمایش اسماء با بهره‌گیری از مقوله بلاغی که امکان تجری پیدا کرده است، می‌پردازد.

### کلید واژه

تمثیل قرآنی؛ خاقانی؛ صورتگری؛ نماز

\* \* \*

اندیشه صورت‌پرداز و هنرآفرین خاقانی این چامه‌سرای توانای ادب فارسی، در سراسر دیوان و دفترش معانی بلند را در تصاویر دلربا نمودار می‌سازد که تاکنون همه قالب‌ریزان و صورتگران معنی را در اعجاب و شگفتی فرو برده است. اوج این هنرپردازی و صورتگری آنجا است که شاعر با ذهن وقاد و نکته‌یاب در اقیانوس بلاغت اعجاز نشان قرآنی به شناوری می‌پردازد و گهرهای بی‌بدیلی فراچنگ آورده و برگردن عروس کلامش می‌آویزد. در این مقاله به بخشی از این صورتگریها می‌پردازیم:

۱. در گزارش صحنه‌های اندیشه و الهام که به خامه و قلم ناید و در توصیف معانی بیکران که دیواره و کران نپذیرد، خاقانی تصویری از قرآن کریم برگرفته از آیت ۲۷ سوره لقمان که در آن فرماید: هرگاه

بین‌المللی تاریخ علم ایران» نیز حضوری فعال داشت.

استاد دکتر محمدتقی مسعودیه سرانجام در روز دوشنبه ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۷۷ برابر با اول فورین ۱۹۹۹ میلادی در تهران به دیار باقی شتافت. نام او نه تنها در تاریخ موسیقی و موسیقی‌شناسی ایران، بلکه در جهان، جاودان خواهد ماند. یادش گرامی، روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

#### پی‌نوشتها:

1. Professor Line Taluel
2. Professor Georges Dandelot
3. Professor Noel Gallant
4. Conservatoire National de Musique de Paris
5. Ecole Normale de Musique de Paris
6. Musikschule Leipzig
7. Professor Ottmar Gerster
8. Professor Johannes Weyrauch
9. Universitaet zu Koeln
10. Professor Karl Gustar Fellerer
11. Professor Marius Schneider
12. Awaz-e-Sur: Zur Melodiebildung in der Persischen Kunstmusik. Regensburg: Bosse, 1968.
13. Erich M. von Hombostel
14. Berlin Phonogramm-Archiv
15. Cologne School
16. Professor Dr. Ruediger Schumacher
17. Professor Josef Kuckertz
18. Freie Universitaet Berlin
19. Professor Juergen Elsner
20. Humboldt-Universitaet zu Berlin
21. Die Melodie Matnavi in der Persischen Kunstmusik Orbis Musicae, L. 1971.
22. Muanscrits Persans Concemant la Musique. Catalogue par Mohammad Taghi Massoudieh, RISM. Band XII, 1996.

۲۳. مهمترین آثار دیگر استاد به زبان آلمانی عبارتند از:

Die Musikforschung in Iran. Acta Musicologica 48: 655-685, 1976.

در این مقاله تاریخچه‌ای دقیق از تحقیقات

موسیقی‌شناسی در ایران ارائه شده است.

Tradition und Wandel in der Persischen Musik des 19. Jahrhundert. Musikulturen Asiens, Afrikas und Ozeaniens im 19. Jahrhundert. Regensburg: Bosse, 1973.

در این مقاله که در یک مجموعه در آلمان به چاپ رسیده است، تغییر و تحولات در حیات موسیقایی ایران در قرن نوزدهم میلادی مورد بررسی قرار گرفته است.

Die Begriffe Maqam und Dastgah in der Turkmenischen Musik des Iran.

در این مقاله نیز که در دومی همایش گروه مطالعاتی مقام در برلین در ماه مارس ۱۹۹۲ میلادی ارائه گردید، مفهوم مقام (و دستگاه) در موسیقی ترکمن (در ایران) همراه با آوانویسی و تجزیه و تحلیل دقیق از چند قطعه منتخب مورد بررسی قرار گرفته است.

۲۴. موضوع این سخنرانی «مفهوم مقام و موسیقی کرمانج» بود که به زودی در مجموعه مقالات گروه مطالعات مقام در خارج از کشور انتشار خواهد یافت.

نماز را نمازی کن به هفت آب نیاز ار نه

نمازی کان چنین نبود جنب خواننده اخوانش و این اتخاذ شبه و از تاریکی به نور و از نور به ایمان و دل پاک در متون بلاغی از پدیده‌های راسخ و دلپذیری است که در همین موضوع به اشعار و امثال استناد وافی به عمل آمده است.<sup>(۲)</sup>

● تصویر حاجیان عریان از لباس نفس و تشبیه آن به ایمان و صبح برگرفته از تصاویر و بلاغت قرآنی است، چرا که در این کتاب آسمانی آنکه دل آکنده از ایمان به خدا دارد سراسر نور و از هر ظلمتی به دور است.

● افن شرح صدره لاسلام فهو علی نور من ربّه. (زمر / ۲۲)

● ما کنت تدری ما الکتاب ولا الایمان و لکن جعلناه نورا.

(شوری / ۵۲)

● الله ولی الدین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور.

(بقره / ۲۵۷)

و این معانی در شعر خاقانی چنین جلوه می‌کند:

شبروان در صبح صادق کعبه جان دیده‌اند

صبح را چون محرمان کعبه عریان دیده‌اند

از لباس نفس عریان مانده چون ایمان و صبح

هم به صبح از کعبه جان نور ایمان دیده‌اند<sup>(۳)</sup>

تسمیه اسماء آیات و سوره از راه مجاز جزء و کل در شعر خاقانی

بمثابه ابزاری است برای برخورداری از نمایش اسماء آنجا که در

بیتی از خاقانی تفسیر سوره‌های اخلاص و الرحمن و کهف و یاسین و

طاسین میم و طاهها با بهره‌گیری از این مقوله بلاغی امکان تجری

پیدا کرده است:

پس از الحمد و الرحمن و الکهف

پس از یاسین و طاسین میم و طاهها

این آه آتشی که از جگر صبح بلند است و برآستی که استعاراتی

پنداری و ارجمند است همراه با اسناد مجازی و هم استعاره تخیلی

تنفس سر به مهر صبح ملمع نقاب در ابیات دیرین هنر شعری

خاقانی را نشان می‌دهد:

صبح آه آتشین ز جگر برکشید و گفت

دردا که کارهای خراسان ز آب شد

و بیت زیر:

زد نفس سر به مهر صبح ملمع نقاب

خیمه روحانیان کرد معنبر طناب

و یا آنجا که جیب دریده ماه قواره پرنیانی صبح را دریده و

سحرکاری خاقانی را نمایان ساخته:

ساحری را گر قواره بهر سحر آید به کار

من ز جیب مه قواره پرنیان آورده‌ام

یا جای دیگر:

بر قواره ماه سحری کرد چرخ

تا سراز خواب‌گران برکرد صبح

تا کند سیمین قواره بر زمین

سر ز جیب آسمان بر کرد، صبح

این همه پرتو درخشانی از بلاغت قرآنی است که در آیت:

والصبح اذا تنفس مورد مذاقه مفسران و علمای بلاغت است چنانکه

زمحشری در این مقوله از اسناد مجازی بیت عجاج را استناد و تمثل

کرده است:

حتى اذا الصبح لها تنفسا

و انجاب عنها ليلها و عسعسا

و می‌نویسد هذا مجاز ای اقبل باقباله روح و نسیم.

تعبیر خاقانی از اینکه در عین استغراق در اشک و آب بنگاهش

زیر آب سوخته تأثری است از کنایات پارادوکسی و تشبیه مرکب که

دانشمندان در آیت ۸۰ سوره یس: الذی جعل لکم فی الشجر

الاخضر ناراً چنین جمع طباقی و بلاغت باقی را تحقیق می‌کنند به

این بیت خاقانی بنگریم:

در اشک گرم غرقم «بنگاه» سوخته

کس دید غرقه سوخته بنگاه ریر آب

طباقها و تضادهای برگرفته از تصاویر قرآن کریم از آیت ۸۲ سوره

هود: وجعلنا علیها سافلها، غور و دقت او را در نکات بلاغی این کتاب

ورجاوند آسمانی نشان می‌دهد:

چار دیوار خانه روزن شد

باز بنشست و آستان برخاست

\*

گر او نشسته و من ایستاده‌ام شاید

نشست باد زمین و ستاده، باو سما

\*

و او به راحت و من در مشقتم چه عجب

که هم زمین بود آسوده و فلک دروا

استفاده از عناصر صوتی و آهنگی در شعر از ویژگیها: ی شعر

خاقانی است و در استخدام این عناصر او سخت تحت تأثیر اصوات و

ابزار آهنگی قرآنی همچون (نفع صور) «بیاریح صرصر» قرار گرفته و

حرکت کلک خود را همچون صرصر اندر صریر پسندیده و بانگ

عالمگیر شعر خود را «چون صور اندر صدا» تصویر کرده است.

لشکر عادند و کلک من چو صرصر در صریر

نسل یا جو چند و نطق من چون صور اندر صدا

که استعارتی نیرومند برگرفته از آیه: و اما عاد فأهلكو ابریح

صرصر عاتیه.

و آیه: و اذا نفخ فی الصور فاذا هم فی العذاب ینسلون. (یس / ۵۱)

خاقانی انعکاس بانگ طبل و کوس را همراه همه کاهانیان

حج به نفع صور قیامت مانند کرده که فوج فوج در صحرای محشر

گرد می‌آیند و گوش دیوان از فزعش کر می‌شود.

کوس حاج است که دیو از فزعش گردد کر

زو چو کورنای سلیمان دم عنقا شوند

چه کند کوس که امروز قیامت نکند  
نه ندارد نفس صور که فردا شنوند  
و این تصویری است مأخوذ از آیه ۱۸ سوره نبا: یوم ینفخ فی  
الصور فتاتون افواجا.

تصاویر پندارین خاقانی از همزه‌های «أنت» آیه ۱۱ سوره مریم:  
«اذ قال الله یا عیسی بن مریم أأنت قلت للناس اتخذونی و امی الهین  
من دون الله» که در آن خاقانی این همزه‌ها را تشبیهی تخیلی از  
چوبه دار پر مسمار عیسی آورده و امکان آن داده است که عیسی  
علیه السلام را در جامه احرام از ره عصمت «کاف و هاخوان» خوانده است.

عیسی آنک پیش کعبه بسته چون احرامیان  
چادری کان دست ریس پور عمران آمده  
از آنتش همزه مسماری الف داری شده  
بر چنین داری ز عصمت کاف و ها خوان آمده  
هم نشانی از پویائی او در بلاغت قرآنی است.

خاقانی در پرداختن جناسهای گوشنواز که زیباترین جناس  
خطی بسی توانا است (دیون، ص ۳۷۰) و آن هنگام به اوج می‌رسد که  
یکی از گونه‌های آن آیت قرآنی است در جناس خاقانی: «قفل قفل  
حسی» یعنی جایی که تلمیح را نیز دربر گرفته است.

بر در امیدشان قفل قفل حسی زده  
باز دندانۀ کلیدش سین سبحان دیده‌اند  
فان تولوا قفل حسی الله لا اله الا هو.  
یا:

شیر مردان چون گوز نای هوی هوی اندر دهان  
از هو الله بر خدنگ آه پیکان دیده‌اند  
و این جناسی است که یکسوی آن آیت قرآنی است.

مضامین قرآنی بصورت نامرئی چنان در شعر خاقانی پرتو افکن  
است که تنها بر روی شناسان روی می‌نماید چنانکه با استفاده  
اصطلاح تیمم در طهارت فقهیه که بایدش بر خاک پاک صورت گیرد:  
اولا مستم النساء فلم تجدو اماء فتمموا صعباً طیباً (نساء / ۴۳)  
استبعاد شاعرانه خاقانی را یاد می‌آورد که چگونه تیمم بر خاک آلوده  
به خون رفتگان رواست:

وگر گویم تیمم کن به خاکی چون کئی کاینجای  
به خون رفتگان آلوده شد خاک بیابانش  
(ص ۱۲)

و در توصیف نطق و خلق پیامبر از آیت:  
«و ما ینطق عن الهدی ان هو الا و حی یوحی»  
و آیه «انک لعلی خلق عظیم»  
بدین‌گونه استفاده کرده است:

لطفش معمولی که کند عقل را ادب  
خلقش مفرحی که دهد روح را شفا  
جامه‌های سبز و سندس و ستبرق قرآنی را که در فرش سندس و  
سبزه خضراء خاقانی می‌بینیم بخوبی آشکار می‌شود که با چه  
مهارت و انسی آیه شریفه: یلبسون ثياباً خضراً من سندس و استبرق

متکین فیها علی الاراتک (کف / ۱۸) را شاعر ما در شعر خود نشانده  
است:

از بسی پز ملک گسترده زیر پای حاج  
حاج زیر پای فرش سندش الوان دیده‌اند  
سبزی برگ حنادر پای دیده‌لیک از اشک  
سرخ رنگ حنادر نوک مژگان دیده‌اند  
خاقانی تقابل عزلت و خلافت را در بیت:

عزلت گزین که از سر عزلت شناختند  
آدم در خلافت و عیسی ره سما  
از آیت قرآنی استفاده کرده است: اذ قال ربک للملئکة انی  
جاعل فی الارض خلیفة قالوا اتجعل فیها من یسفک الدماء یوم ...  
(توبه / ۳۵)

تشبیه لا و استعاره منزل الا الله را خاقانی مسکنی و تسکینی  
قرار داده که آیه «الا بذکر الله تطمئن القلوب» قرآنی را در شعر او  
جلوه گر ساخته است:

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق  
از تیه لا به منزل الا الله اندر آ  
و همین شاعر با بهره‌یابی از آیت الا الذین آمنوا در جای دیگر از  
خدای چنین خواسته

مرا به منزل الا الذین فرود آور  
اتخاذ شبه از اوصاف انبیاء قصیده خاقانی را توانایی آن داده که  
فرمانروایی چون خواجه ناصرالدین ابراهیم را شایسته اتصاف چنین  
اوصافی قلمداد می‌کند با تشبیهی متعدد:

صاحب دلق و عصا چون خضر و چون کلیم  
گنج روان زیر دلق مار نهان در عصا  
با برخورداری از آیت: فآتی عصاه فاذا هی ثعبان مبین

(اعراف / ۱۱۷)  
استفاده از تعبیر کوس «رب هبلی» زدن که بارها در قصاید خاقانی  
آمده نه چیزی است که سودجویی خاقانی را از بلاغت آیات قرآنی در  
پرده دارد و از این آیت قرآنی: قال رب هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد  
من بعدی (ص / ۳۵) در ابیات زیر بهره‌ور نبیند:

سلیمانی است این همّت به ملک خاص درویشی  
که کوس رب هبلی می‌زنند از پیش میدانش  
تخت و خاتم نی و کوس رب هبلی می‌زنم  
طور آتش نی و در اوج انما الله می‌پریم

### پی‌نوشتها:

۱. بخشهایی از این مقاله در خطابه نگارنده در کنگره بررسی سبک آذربایجانی در  
دانشگاه ارومیه القا شده است.

۲. از جمله در مطول تفتازانی و اسرار البلاغة عبدالقاهر جرجانی بیت ابوطالب رقی:  
و لقد ذکر تک فی الظلام کانه یوم النوی و فواد من لم یعشق  
و بیت قاضی تنوخی:

و کان النجوم بین دجاها سنن لاح بینهن ابتداع  
۳. دیوان خاقانی به تصحیح شادروان دکتر ضیاءالدین سجادی، ص ۲۵، همه جا  
شماره صفحات شعر خاقانی اشاره به همین نسخه است.